

## گفتمان ارتباطی و دیگری‌های گفتمان حوزه علمیه قم از آغاز تا کنون

محمد مهدی محقق<sup>۱</sup>

### چکیده

رسانه‌های حوزه علمیه قم در صد سال اخیر دارای ویژگی متمایزی نسبت به رسانه‌های امروزی هستند. زیرا براساس الگوی امت - امامت، به دنبال تلازم گفتار با رفتار و تحقق نظام معنایی متناسب با نیاز دینی جامعه هستند. در این تحقیق، گفتمان حوزه علمیه قم از آغاز تأسیس تا کنون و کنش‌های ارتباطی این حوزه در قالب چهار گفتمان مرجعیت، اسلام سیاسی، انقلاب اسلامی در دوره رهبری امام راحل و دوره رهبر معظم انقلاب بررسی و شبکه گفتمانی حوزه در مقایسه با شبکه مفاهیم «دیگری» هر گفتمان بررسی شده است. در نهایت مهم‌ترین رقیب گفتمانی امروز حوزه علمیه قم، به عنوان گفتمان سکولاریسم معرفی و راهکارهای رسانه‌ای برای رویارویی با آن پیشنهاد شده است.

### کلیدواژه‌ها

گفتمان، گفتمان رسانه‌ای، گفتمان حوزه علمیه قم، رسانه‌های حوزوی، گفتمان انقلاب اسلامی، حوزه انقلابی.

۱. سطح سه حوزه علمیه قم، دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه باقر العلوم (ع)، مدیر عامل خبرگزاری رسا،

## بیان مسئله

شیعیان در دوران غیبت، با بحران جانشینی امام معصوم علیه السلام روبه‌رو شدند و ابتدا الگوی مراجعه به نواب خاص و سپس نواب عام در جامعه شیعی رواج یافت. پس از تأسیس حوزه علمیه نجف، مراجعه شیعیان به فقیهان تثبیت و تقویت شد. همین الگو بدون تغییر اساسی، در آغاز دوران تأسیس حوزه علمیه قم در قالب گفتارهای پراکنده فقهی در ایران دنبال شد. تثبیت گفتمان اجتهاد و تقلید توسط روحانیت حوزه علمیه تازه تأسیس قم باعث شد مراجعات عموم شیعیان ایران و انتظارات آنان از روحانیت و حوزه‌های علمیه فراتر از برپایی مجالس شعائر، وعظ، اقامه جماعات و برخی احوال شخصی رفت. در این دوره مراجعاتی مانند پاسخ شبهات روشنفکران غرب‌زده، پرداخت وجوهات، اذن مجتهد در برخی تصرفات و تقلید از فقیه جامع شرایط و ... شیخ عبدالکریم حائری را از پرداختن به امور داخلی حوزه تازه تأسیس به اداره امور دینی عموم مردم به عنوان کارکردهای نوین حوزه علمیه مشغول و متوجه کند. مخالفت‌های حکومت رضا شاه با نهاد دین نتیجه عکس داد و باعث بیشتر شدن مراجعه مردم به روحانیت و منجر به تولد گفتمان اسلام سیاسی در حوزه علمیه قم شد. در دوره‌های بعدی، گفتمان اسلام سیاسی در حوزه علمیه قم رشد یافت و منجر به پیروزی انقلاب اسلامی ایران شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حوزه علمیه قم به تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی پرداخت و در هر دهه، متناسب با اقتضانات روز، پیشرفت کرد. در هر دوره، حوزه علمیه قم کنش ارتباطی در فراخور پاسخ به نیازهای گفتمانی خود داشته و علاوه بر مرزبندی با دیگری‌ها، رشد گفتمانی رسانه‌های حوزوی را در پی داشته است.

## چارچوب مفهومی

### گفتمان

اصطلاح «گفتمان» در اصل واژه‌ای فرانسوی به معنای گفت‌وگو و گفتار است. این واژه در لغت، در وجه اسمیه به معنای جریان رونده، ارتباط اندیشه از طریق کلام و روایت و در وجه فعلیه در معنای حرکت کردن، تبادل کلامی آرا و اندیشه‌هاست. گفتمان مجموعه‌ای از ایده‌ها، مفاهیم و باورهایی است که به عنوان معرفت یا جهان بینی، مقبولیت عام و رسمیت می‌یابند و چارچوبی قدرتمند برای فهم و کنش در زندگی اجتماعی می‌شوند. گفتمان در اندیشه فوکو مانند قانون و عرف از نوعی واقعیت برخوردار است که قدرت قاهر و امر می‌دهد، به گونه‌ای که کسی تاب توان و ایستادگی در برابر آن را ندارد. (طالقانی، ۱۳۸۲: ۵۴)

برخلاف گفت‌وگو به عنوان دیالوگ، گفتمان مفاهیم و باورهای یک دستگاه فکری را در خود دارد؛ در فضای فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای از رویکردها، مشی‌ها، علقه‌ها و ارتباطات درون اجتماعی شناخته می‌شود. گفتمان‌ها در طول زمان دچار تغییر و تحول می‌شوند. (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۳) گفتمان به تلازم گفتار با مجموعه رفتار و نگرش‌ها و

کارکردهای اجتماعی اطلاق می‌شود که برای انجام عملی با هدف تحقق نتیجه‌ای خاص در جامعه‌ای خاص به کار گرفته می‌شود؛ از این رو گفتمان منجر به جا افتادن، نهادینه شدن و تولید هنجارهای عرفی خاصی منطبق با اهداف و اندیشه‌های سازنده آن خواهد شد. گفتمان به دو روی یک سکه تشبیه شده که بر یک روی آن گفتار و بر روی دیگر آن، کنش‌های عرفی و کارکردهای اجتماعی قرار دارد. (بارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۴)

در ساحت زبان‌شناسی، گفتمان به جنبه‌هایی از زبان می‌پردازد که تنها می‌توان آن‌ها را با ارجاع به گوینده سخن و وضعیت یا موقعیت مکانی و زمانی وی یا با ارجاع به متغیرهای دیگری شناخت. این جنبه‌ها، در مشخص کردن بسترهای ساختار بخش بخش گفتار به کار می‌روند. (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ج ۱، ۱۳۲) بر این اساس گفتمان، کلام یا نوشتاری است که در جریانی اجتماعی پدید می‌آید، در خلال ارتباطات اجتماعی تکوین می‌یابد و متن را به جنبه‌های جامعه‌شناختی متصل می‌کند. گفتمان یک برساخته اجتماعی، نظامی از انتخاب‌ها و تولیدکننده هویت است. گفتمان در درون خود کارکرد تأسیس مرزها، تثبیت هویت و بیگانه‌سازی دارد. گفتمان مجموعه‌ای از عناصر نشانه‌ها و متغیرها را به صورت شبکه اندیشه‌ای در می‌آورد و به آنها هویتی نوین می‌دهد که پیرامون یک دال مرکزی، منسجم و به هم مفصل‌بندی می‌شوند. نقطه یا دال مرکزی، نشانه‌ای است که سایر نشانه‌ها در اطراف آن نظم می‌گیرند و هسته مرکزی یک منظومه گفتمانی را تشکیل می‌دهد. امروزه در عرصه اجتماع، گفتمان‌ها بر اساس افکار و اندیشه‌های رایج و حاکم، تشکیل شده و از دسته‌های گوناگون جامعه یارگیری می‌کنند. فوکو گفتمان‌ها را در ارتباط با روابط قدرت می‌داند، نه تنها فرآورده ذهن خلاق و خودمختار بشر؛ در نظر او «کارکرد گفتمان، ساخت ایده و ارزش‌های خاص کنونی و حذف و نادیده گرفتن بقیه ارزش‌ها و ایده‌هاست. گفتمان یک مکانیسم حذف و طرد است که قدرت و دانش به آن ایده‌هایی اختصاص می‌دهد که مورد پذیرش هستند.» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۱۸)

انتخاب مراحل گفتمانی و نوع شکل‌گیری آن مسئله مهمی در شناخت گفتمان است. مراحل گفتمانی، فرآیندی است که در آن باورها، اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها در یک گروه یا جامعه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند و تداوم یافته‌ها و گفتمان‌های جامعه را شکل می‌دهند.

غالباً مراحل گفتمانی عبارتند از: شناسایی موضوع، تعیین هدف، گردآوری اطلاعات، طرح پرسش‌ها و دیدگاه‌ها، بحث و تبادل نظر. در مرحله شناسایی موضوع، ممکن است یک موضوع به صورت ضمنی از طریق رویدادها، مشکلات اجتماعی، تغییرات فرهنگی و سیاسی مطرح شود. هدف ممکن است تغییر نگرش‌ها، افزایش آگاهی، تبیین دیدگاه‌ها، رسیدن به توافق مشترک باشد. اطلاعات می‌تواند شامل دیدگاه‌ها، تحقیقات علمی، نظرات متخصصان، تجربیات فردی و مستندات مرتبط باشند. پرسش‌ها و دیدگاه‌ها می‌توانند تحلیلی، پرسشی، تفسیری و انتقادی باشند. برای گفتمان‌سازی، مراحل گفتمانی باید تحقق یابد.

گفتمان‌سازی ابزار قدرتمندان برای واقع‌نمایی و ساخت حقیقت است، مثلاً این‌که چه رفتاری جرم و چه رفتاری جایز است، در گفتمان قانون تعیین می‌شود و صورت‌بندی گفتمان قانون در دست قدرت حاکم است. گفتمان مانند پودر وارد سلول‌های هر پدیده اجتماعی شده و به آن رنگ، جهت و خاصیت می‌دهد. هر گفتمان می‌تواند عناصری از گفتمان رقیب را اخذ کرده و مجموعه‌ای از عناصر مشترک و معارض را به‌عنوان نظام دلالت، تحت هدایت قواعد و ساختارهای همسو با روابط و مناسبات قدرت مطرح سازد.

در حال حاضر گفتمان‌های رایج در کشور ما براساس پشتوانه‌های فکری و گرایش‌های سیاسی و فرهنگی تقسیم‌بندی‌های متفاوتی دارند. در مبانی اندیشه اجتماعی، با دو کلان‌گفتمان علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی روبه‌رو هستیم. در رویکردهای فرهنگی، گفتمان باستان‌گرایی، کمونیستی، غرب‌گزین و روشنفکری، سنتی و تمدن‌نویین اسلامی رایج‌ترین گفتمان‌های معاصر هستند. در مباحث سیاسی گفتمان اپوزیسیون، اصلاحات، اعتدال و انقلابی عمده گفتمان‌های رایج را تشکیل می‌دهند. هر گفتمان نسبت به شرایط خاص اجتماعی، به خرده‌گفتمان‌هایی تقسیم می‌شود؛ مثلاً گفتمان اصول‌گرایی به خرده‌گفتمان عدالت‌طلبی، جهادی، کارآمدسازی و سنتی تقسیم می‌شود.

## خرده‌گفتمان‌ها

خرده‌گفتمان‌ها به مجموعه‌ای از بحث‌ها، آرا و دیدگاه‌ها می‌گویند که در محدوده‌های کوچک‌تری از یک گفتمان بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. خرده‌گفتمان‌ها زیرمجموعه‌هایی از یک کلان‌گفتمان هستند که منشأ آنها، مسائل و معضلات و پرسش‌های جاری جامعه است. آنها به‌عنوان نتیجه فرایند تعاملات و بحث‌های گروهی در یک کلان‌گفتمان شکل می‌گیرند. خرده‌گفتمان‌ها تمرکز خاصی بر یک موضوع یا مسئله دارند و در گروه‌های کوچک‌تری مانند خانواده، دوستان، انجمن‌ها، سازمان‌ها و محیط‌های اجتماعی مطرح می‌شوند؛ مانند خرده‌گفتمان‌هایی که در یک جریان سیاسی درباره سیاست‌های داخلی و خارجی، مسائل اقتصادی یا حقوقی پدید می‌آید. مثال دیگر، خرده‌گفتمان‌های مرتبط با مسئله حجاب در جامعه ایرانی است. در این خرده‌گفتمان، درباره چگونگی مواجهه حاکمیت با مساله بی‌حجابی، رفتارهای خلاف عرف، بی‌حجابی سازمان‌یافته و سیاستگذاری مسئله حجاب دیدگاه‌های متفاوتی بیان می‌شود.

## گفتمان رسانه‌ها

گفتمان رسانه‌ها یکی از سطوح گفتمان در علوم اجتماعی شمرده می‌شود. رویکرد گفتمانی در رسانه‌های جمعی پراکنده و متنوع و متأثر از گرایش‌های تحلیل متن و نشانه‌شناسی است؛ از این‌رو به ابعاد ایدئولوژیک پیام‌های رسانه‌ها

و شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و بافت‌های موقعیتی و تاریخی فرامتن نیز می‌پردازد. زیرا این فرایندهای ذهنی و ادراکات مخاطبان است که به پیام‌های رسانه‌ها معنا و مفهوم می‌بخشد. (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۵۵)

برخی معتقدند گفتمان در خارج از رسانه تعریف می‌شود و این دو رابطه‌ای با هم ندارند. در باور فوکو رسانه‌ها ابزار اعمال قدرت گفتمانی هستند تا صاحبان قدرت بتوانند مراقبت و کنترل دائمی به جامعه داشته باشند. او عبارت «سراسر بینی در جامعه نظارتی» را مطرح می‌کند. رسانه‌ها از طریق سراسر بینی، قدرت را به شکلی پخش می‌کنند که سازوکار نظارت و توزیع روابط قدرت در جامعه نظارتی بسط پیدا کند. (لافی، ۱۳۹۶: ۱۴۱) برخی از اندیشمندان بر این باورند که رسانه زمینه گفتمان‌سازی را ایجاد می‌کند و به مهندسی افکار عمومی می‌پردازد؛ برخی دیگر معتقدند رسانه در ضریب‌دهی، بسط و قبض، تذکر و بازخوردگیری از گفتمان‌ها تأثیرگذار است. شماری گفتمان‌سازی را از کارکردهای رسانه‌ها می‌دانند و بر این باورند که گفتمان در رسانه اتفاق می‌افتد. با این وجود برخی از اندیشمندان قائل به عدم ارتباط رسانه و گفتمان هستند و معتقدند رسانه ظرف ساخت و تولید گفتمان نیست؛ هرچند می‌تواند ظرف انتشار و تبلیغ گفتمان‌ها در بین عموم مردم باشد. برخی نیز معتقدند گفتمان دنباله پارادایم است؛ وقتی پارادایم بتواند ارزش‌های خود را در زندگی مردم تسری دهد و در بخش عمده جامعه جاری کند، موفق به تولید گفتمان شده است. به همین خاطر روش تحقیق «تحلیل گفتمان» به تجزیه و تحلیل متون رسانه‌ای می‌پردازد و این روشی نوین برای پژوهش در متون ارتباطی است که برای شناخت پیام و معنی به‌کاررفته در پیام‌های ارتباطی کاربرد یافته است. (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۷: ج ۱، ۱۲۹)

برای تحلیل گفتمان یک رسانه، فقط سراغ تحلیل ساختار زبان گفتاری (مانند اخبار و مصاحبه‌ها)، تحلیل متون و تحلیل ساختار زبان نوشتاری (مانند یادداشت‌ها، گزارش‌های خبری) آن رسانه نمی‌روند، بلکه وضعیت‌های گوناگونی که رسانه اقدام به مسئله‌یابی و تولید محتوا کرده است نیز در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا مفهوم و معنا تنها در دل کلمات، جملات و پاراگراف‌ها نهفته نیست، بلکه در اوضاع و احوال اجتماعی، وضع درون رسانه‌ای و اثر رسانه‌های رقیب و عوامل دیگر یافته می‌شود.

از الزامات گفتمان‌سازی رسانه‌ای تعیین دال مرکزی است. دال مرکزی در منظومه گفتمانی، مفهوم و نشانه‌ای است که نیروی جاذبه آن، دیگر مفاهیم و نشانه‌های داخل گفتمان را به خود جذب می‌کند و به آنها معنا و هویت می‌دهد. مثلاً در گفتمان لیبرال، «آزادی» دال مرکزی است که دیگر نشانه‌ها و مفاهیم (دولت، برابری، شهروند، انتخابات، رفاه و ...) با توجه به آن معنا و مفهوم پیدا می‌کنند. مفاهیم اصلی تحلیل گفتمان یک رسانه عبارتند از: مفصل‌بندی، عناصر، لحظه‌ها، حوزه گفتمانی، ازجاشدگی، انسداد و توقف، ضدیت، خصومت و غیریت‌سازی، استیلا و زنجیره هم‌ارزی تفاوت. (حسین‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۴) رسانه برای انتخاب و تبلیغ یک گفتمان همه ابعاد یک ارتباط را مد نظر قرار می‌دهد. یعنی

نه تنها محتوای آن، بلکه نویسنده (چه کسی می‌گوید؟)، امتداد (برای چه زمینه یا زمینه‌هایی؟)، مخاطبان (برای چه کسانی؟) و هدف (برای دستیابی به چه چیزی؟) مورد بررسی قرار می‌گیرند. (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۴۷)

## گفتمان فرهنگی

گفتمان فرهنگی به مجموعه باورها، مفاهیم، نظریه‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی گفته می‌شود که در یک جامعه و در طول زمان شکل می‌گیرند و بر اندیشه‌ها، گرایش‌ها، احساسات و رفتارهای اعضای آن جامعه تأثیر می‌گذارند. این گفتمان‌ها از طریق رسانه‌ها، ادبیات، هنر، سخنرانی‌ها، مراکز علمی و دیگر محیط‌های فرهنگی منتقل می‌شوند. یک مثال از گفتمان فرهنگی می‌تواند «مفهوم رشد اجتماعی» باشد. ترقی اجتماعی باید براساس مهارت‌ها و توانایی‌های شخصی افراد یک جامعه صورت گیرد و هر فرد باید براساس تلاش و توانمندی‌های خود در جامعه پیشرفت کند. رشد اجتماعی ممکن است به متغیرهای اجتماعی مانند تعلیم و تربیت، منابع مالی و امکانات فراهم شده برای شخص، جنسیت و زمینه اجتماعی او نیز وابسته باشد. این گفتمان‌ها می‌توانند تأثیر مستقیمی بر سیاست‌ها، ساختارهای اجتماعی و رفتارهای فردی داشته باشند. مراکز علمی می‌توانند در تولید گفتمان فرهنگی نقش مهمی ایفا کنند.

## یافته‌های تحقیق

### الگوی مطلوب: گفتمان امت - امامت

در اندیشه شیعی، رابطه بین عموم شیعیان با مظهر و نماینده دین، به صورت الگوی رفتاری «امت - امامت» تبلور یافته است. این الگو در سیاق فرهنگ اسلامی و معارف شیعی، با یک شبکه مفهومی خاصی در ارتباط است و آن را به گونه‌ای خاص، تعریف می‌کند. «امت» در کاربرد قرآنی، بیشتر درباره گروهی از مردمان به کار رفته است که یک نظام معنایی مشترک و روابط اجتماعی خاصی با همدیگر دارند و به نظام معرفتی ویژه‌ای باورمند بوده و براساس آن رفتار می‌کنند. «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ» (حج، ۶۷) برای هر امتی مناسکی قرار دادیم که آنها به آن عمل می‌کنند. رفتار جمعی امت‌ها توسط فرستاده خدا و امام، تبیین و هدایت می‌شود. «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا» (سجده، ۲۴) برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند. فرستاده و منصوب خدا در هر امتی به زبان، عرف و هنجارهای آن قوم، تبیین و ارشاد می‌کند. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ» (ابراهیم، ۴) و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا (حقایق را) برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بیراه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند. «مردمانی که به یک نظام

معنایی خاص باور داشته باشند و براساس رهبری و هدایت مشترک الگوی رفتاری خاص، روابط اجتماعی خود را تعریف کنند، با همدیگر نوعی ترکیب حقیقی پیدا می‌کنند و تبدیل به یک جمعیت واحد یا «امت» می‌شوند. (اقتباس از: پارسانیا، ۱۳۹۱: ۱۲۳)

الگوی رفتاری و عاملی که مردمان متفاوت را به نظام معنایی خاص باورمند می‌کند و آنها را به رفتار سامان یافته‌ای سوق می‌دهد، «امام» نامیده می‌شود. امت، مرز زمانی و مکانی ندارد؛ زیرا باور به نظام معرفتی، دایره مدار معنا و امری مجرد است و ارتباط افراد با یکدیگر نیز منحصر در تعاملات حسی و تاریخی و جغرافیایی نیست، از این‌رو افرادی که در دوره‌های زمانی متفاوتی می‌زیسته‌اند و نیز آنان که در حوزه‌های جغرافیایی دور از هم قرار دارند، می‌توانند به امت واحدی تعلق داشته باشند. الگوی «امت - امامت» در رسانه جامعه اسلامی نیز تسری می‌یابد و تمایزبخش مخاطب رسانه جامعه اسلامی نسبت به جامعه سکولار است. اگر «مخاطب» رسانه در جهان سکولار، «توده» مبتنی بر «هم‌صحبت خیالی» است، در جهان اسلام «امت» مخاطب رسانه قرار دارد. توده از اجتماع افراد بی تفاوت، غیرهدفدار و پراکنده تشکیل شده که برای یکدیگر ناشناخته‌اند، نهایتاً ممکن است گاه به علت برخی منافع مقطعی، در برهه‌ای از زمان یا قطعه‌ای از مکان، با همدیگر هم‌سو و نزدیک شوند. ولی امت، براساس مفهوم ایمان و عمل و حضور امام (هدایت اسوه، فدوه و الگو) شکل می‌گیرد. بنابراین، طبق اصل «امت‌گرایی» پیام‌های رسانه در جامعه اسلامی، مبتنی بر مفاهیم سه‌گانه «ایمان، عمل، رهبر» شکل می‌گیرد و هدف آن، تشکیل جامعه توحیدی جهانی است. (یوسف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۴ - ۲۰۰)

دقت در روابط هم‌نشینی در متون دینی، شبکه‌ای از مفاهیم دوگانه و زوج‌های معناشناختی را در ارتباط با «الگوی امت - امامت» برای تعیین محتوای پیام‌های رسانه‌ای در جامعه اسلامی صورت‌بندی و نمایان می‌کند؛ مفاهیم دوگانه و زوج‌های معناشناختی مانند توحید - کفر، دعوت - اجابت، نصب - خلافت، ایمان - نفاق، هدایت - ضلالت، تقیه - تعجیل، هم‌گرایی - واگرایی، دنیا - آخرت، خودخواهی - ایثار، معروف - منکر، ایستادگی - تسلیم، استقلال - بیگانه‌پرستی و ...

### دوره اول: گفتمان مرجعیت (۱۳۰۱ - ۱۳۴۰ ش)

نخستین دوره گفتمانی حوزه علمیه قم، دوران زعامت حضرات حائری (۱۳۰۱ - ۱۳۱۵ ش)، آیات ثلاث (۱۳۱۵ - ۱۳۲۳ ش) و بروجرودی (۱۳۲۳ - ۱۳۴۰ ش) است. مهم‌ترین ویژگی کنش ارتباطی حوزه علمیه قم در این دوره، تولد، تثبیت و تقویت گفتمان مرجعیت شیعی است.

آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در شرایط اجرای خط مشی ضد دینی حکومت رضا شاه، حوزه علمیه قم را تأسیس کرد. حکومت رضاخانی با اتکا به قدرت نظامی خود، مجموعه تلاش‌های منسجمی را برای به‌انقیاد درآوردن

مردم و برتری بر نهاد دین در جامعه ایرانی در پیش گرفته بود. یک شکل کردن لباس‌ها، کشف حجاب، قانون موقوفات، ممنوعیت مراسم مذهبی، ملی‌گرایی، نوگرایی و کاهش تأثیرات نهاد دین در کارکردهای حقوقی و قضایی موقعیت متزلزل و آینده مبهمی را برای روحانیت شیعه داخل ایران رقم زده بود. رضاشاه با برنامه‌های شبه توسعه‌ای خود، منشأ پیدایش لایه اجتماعی روبه‌رشدی شده بود که از جهات گوناگونی موجودیت اجتماعی خود را بیرون از هویت ایرانی تعریف می‌کرد. این طبقه نوظهور، زمینه نهادی و اجتماعی را برای گفتمانی نوین فراهم می‌کرد و از طریق سلبی با تخریب پایگاه‌های نهادی و اجتماعی سنتی جامعه ایرانی، بر گفتمان ناسیونالیسم ایرانی تأثیر گذاشت. این لایه اجتماعی متجدد مآبانه، در شرایط انقطاع و گسستگی از هویت سنتی جامعه ایرانی پدید آمده و رشد کرده بود تا طرح‌های هویتی تجدیدی را در جامعه ایرانی عینیت بخشد. (کچویان، ۱۳۸۳: ۱۸۵)

عمیق‌ترین لایه تغییرات که توسط برنامه‌های شبه توسعه‌ای رضا شاه رخ داد، در نهاد تعلیم و تربیت و سازمان‌های آموزشی ایران بود. نظام آموزشی جدید با مرجعیت علوم مدرن، سازمان‌های رسمی علم را در ایران تسخیر کرد. نظام آموزشی مدرن در پرتو مرجعیت دانش غربی، علوم کاربردی و علوم انسانی را بی‌توجه به بنیادهای متافیزیکی و فرهنگی آنها، در چارچوب یک سیاست استعمارزده ترویج می‌کرد. (پارسانیا، ۱۳۸۴: ۱۸)

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آیت‌الله حائری، عبور از تهدید حکومت رضا شاه درباره لزوم انحلال یا دولتی شدن مدارس علمیه بود؛ تهدیدی که مدتی تمامی مدارس علمیه مشهد مقدس را به تعطیلی کشاند. آغاز به کار حوزه علمیه قم در چنین شرایطی، بهترین کنش علمی، فرهنگی و مبارزاتی روحانیت شیعه برای خروج دین از انزوا و حاشیه‌نشینی بود؛ به‌ویژه این‌که با انتقال تدریجی مرجعیت شیعه از خارج ایران به داخل، مشکل فقدان انسجام و کانون نظریه‌پردازی مبارزات، در پرتو تقویت مرجعیت شیعی برطرف می‌شد. نمونه بارز عدم انسجام و ابتر ماندن قیام‌های اعتراضی مردم متدین در برابر اقدامات ضد اسلامی پیش از این دوره را می‌توان در قیام حاج آقا نورالله اصفهانی و ملا حسین فشارکی در اصفهان، قیام شیخ ابوالحسن انگنجی و میرزا صادق آقا در تبریز، ایستادگی شیخ محمدتقی بافقی در قم، قیام حاج آقا حسین قمی و کشتار مردم در مسجد گوهرشاد مشهد مشاهده کرد. (درخشه، ۱۳۸۶: ۱۰۵) هدفمند کردن حرکت‌های مردمی در اعتراض به سیاست‌های سکولاریستی رضاشاه در پرتو مرجعیت شیخ عبدالکریم حائری و آیات ثلاث (صدر، حجت و خوانساری) از نتایج استقرار و تقویت مرجعیت در این حوزه مبارکه بود. برجسته‌ترین اقدامات سیاسی دوران مرجعیت شیخ عبدالکریم حائری، حضور در گردهمایی اعتراضی علمای قم به همراه میرزای نائینی و شیخ ابوالحسن اصفهانی در واکنش به سیاست جمهوری خواهی حکومت و تلگراف به رضاشاه در اعتراض به کشف حجاب بود. (مکی، ۱۳۶۲: ج ۳، ۱۵) از مهم‌ترین کنش‌های سازمان‌یافته و گفتمان‌ساز روحانیت شیعه در این دوران، می‌توان به ایستادگی در برابر نفوذ فرهنگ غربی، پاسخ شبهات روشنفکران ضد دینی مانند احمد کسروی، شکل‌گیری تدریجی

انجمن‌های اسلامی، تأسیس کانون اسلام، انجمن مبارزه با بی‌دینی، انتشار هفته‌نامه ندای دین، هفته‌نامه ندای حق و نشریه آیین اسلام و کتاب‌های کلامی در دفاع از کبان اعتقادی شیعه اشاره کرد.

ویژگی ممتاز حوزه علمیه قم نسبت به حوزه علمیه نجف اشرف، توجه به عنصر تبلیغ دین، وعظ و ارشاد مردم بود. از این رو عنصر «گفتمان دینی» در این دوره تحکیم شد. گفتمان هویت دینی در این دوره، به شیوه‌هایی که افراد و جامعه ایرانی را براساس اعتقادات شیعی و ارزش‌های مرتبط تعریف و شناخت می‌کنند، اشاره دارد. این گفتمان تأثیر قابل توجهی در روحیه، رفتار و تعاملات اجتماعی داشت. در این گفتمان، هویت فردی و جمعی به عنوان بخشی از هویت دینی در نظر گرفته و موجب تقویت ارتباط با روحانیت، تحقق ارزش‌ها و آموزه‌های شیعی و شناخت تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی شد.

پس از رحلت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری، سه نفر از فقیهان برجسته حوزه علمیه قم به عنوان هیأت سه‌نفره اداره امور حوزه قم را عهده‌دار شدند: حضرات آیات عظام سید صدرالدین صدر، حجت کوه کمره‌ای و سید محمدتقی خوانساری. در این دوره باوجود تضییقات شدید مالی و سخت‌گیری تحقیرآمیز مأموران رژیم پهلوی، گفتمان هویت دینی توسط روحانیت شیعه از چند روش و طریق، دنبال شد: رویکرد علمی به دین، مبارزه با النقاط، تبیین آموزه‌های اساسی اسلام، بازنمایی مفاهیم دینی برای اقشار مردم و هویت‌یابی امت مسلمان. این گفتمان انعکاس‌دهنده نیازها و انتظارات بخش‌های گوناگون جامعه ایرانی از دین بود.

در پی درگذشت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در حوزه علمیه نجف، آیت‌الله العظمی سید حسین بروجردی به عنوان مرجع در ایران شناخته شد. آیت‌الله بروجردی به‌خاطر تبحر علمی، قاطعیت و اقبال عمومی، در دوران مرجعیت خود به صورت برجسته‌ای موفق به توسعه حوزه علمیه قم و تحکیم نهاد روحانیت در بین مردم شد، خصوصاً این که مردم متدین ایران در این دوران وجوهات شرعی خود را به‌جای ارسال به نجف و سامرا، در اختیار مرجعیت مستقر در حوزه علمیه قم قرار می‌دادند و نهاد خمس به‌عنوان بازوی اجرایی زعیم حوزه در گسترش اهداف عالی اسلام در آمد.

مهم‌ترین کنش‌های اجتماعی آیت‌الله سید حسین بروجردی در دوران زعامت خود عبارتند از: گنجاندن تعلیمات دینی در دوره ابتدایی، ساخت و توسعه اماکن بزرگ دینی در داخل و خارج کشور، اعتراض به حضور افراد ضد دین در ادارات دولتی، اعتراض به سیاست‌های ضد دینی شاه و رواج فساد در کشور، مخالفت با سیاست اصلاحات ارضی، مخالفت با تغییر دین اسلام و خط رسمی کشور، مبارزه با بهائیت و حمایت از مردم فلسطین.

آیت‌الله بروجردی باورمند به استفاده از ظرفیت رسانه‌های نوین برای ابلاغ پیام‌های دینی حوزه علمیه قم به عموم مردم و نخبگان بود. به همین خاطر، در این دوره به‌ویژه در دهه ۱۳۳۰ ش. شاهد شکوفایی قلم فضلالی حوزوی و رشد منشورات و مجلات دینی مانند ماهنامه مکتب اسلام، مجموعه حکمت، حیات مسلمین، مکتب جعفری و ... هستیم. کتاب «کشف‌الاسرار» امام خمینی در سال ۱۳۲۳ ش. در پاسخ به شبهات علی‌اکبر حکمی‌زاده تألیف شد. حکمی‌زاده در

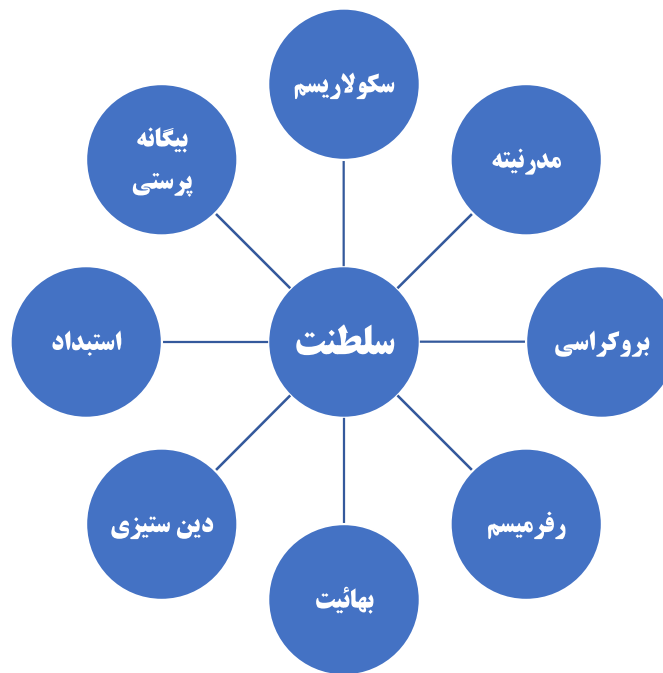
کنابش با رویکردی ضد روحانیت به ترویج باورهای وهابیت پرداخته و حملاتی تند علیه شیعه داشت. آیت‌الله بروجردی علاوه بر تشویق فضلالی حوزه علمیه قم به انتشار کتب معارفی و حضور روحانیت در رادیو، از تأسیس ماهنامه «درس‌هایی از مکتب اسلام» توسط شماری از فضلالی حوزوی حمایت کرد. شیخ حسین علی راشد یزدی از سال ۱۳۲۰ ش. برنامه‌ای را در پنج‌شنبه شب‌ها با عنوان سخنرانی مذهبی در رادیو آغاز کرد. بعدها مجموعه سخنرانی‌های وی در مجموعه‌ای ۱۶ جلدی منتشر شد. پس از وی، حجت‌الاسلام محم تقی فلسفی، خطیب و سخنور مشهور، از سال ۱۳۲۷ ش. سخنرانی‌هایی در رادیوی ایران داشت. حضرت آیت‌الله بروجردی گفتمان حوزه علمیه قم را از داخل به‌سوی خارج توسعه داد که موجب بروز خرده‌گفتمان‌های فقه‌مقارن، تقریب مذاهب، محبت به برادران اهل سنت، تبلیغ دین در آفریقا و اروپا و آمریکا، پیراستن دین از بدعت‌ها و خدمت به مردم شد.



نمودار ۱: شبکه گفتمانی مرجعیت

خرده‌گفتمان‌های نوین حوزه تازه تأسیس در ایران، باعث پایه‌گذاری هویت نوین و بازتعریف هویت دینی مردم ایران شد که در دهه‌های بعدی، هویت اعتراضی و انقلابی مردم را در برابر رفتارهای دین‌ستیزانه، مستکبرانه و خودتحقیری رژیم پهلوی، صورت‌بندی کرد. به‌عنوان مثال، رفتار اجتماعی اقامه عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام در دوران مبارزه رضا شاه با مظاهر دین و مخالفت رسمی با مناسک شریعت، گفتمان خاصی را در بین اقشار متدین مبنی بر ایستادگی در برابر غرب‌شیفتگی و سیاست‌های اصلاحی رضا شاه پدید آورد. هویت جدید دینی مردم ایران، کنش‌های

سیاسی- اجتماعی نوینی را پدید آورد و موجب تولید یک «دیگری» با عنوان رژیم پهلوی در بین مردم شد و مرزهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نوینی را رقم زد. سیاست‌های مبارزه با مظاهر دین توسط عمال حکومت پهلوی باعث شد مردم، خصوصاً اقشار متدین، حکومت رضا شاه را مانعی برای تحقق هویت و استقلال خود بدانند. مقاومت‌ها و مخالفت‌های مردمی در برابر سیاست‌های ضد دینی، باعث شد حکومت پهلوی مردم را مانع تحقق سیاست‌ها و اعمال حکمرانی خود بشناسد و سیاست سرکوب متدینان و اقشار مردمی را در پیش گیرد و خود را به‌عنوان نماد سرکوب عمومی معرفی کند.



نمودار ۲: شبکه مفاهیم «دیگری» گفتمان مرجعیت

## دوره دوم: گفتمان اسلام سیاسی (۱۳۴۰-۱۳۵۷ش)

اسلام، دینی جامع است و منحصر در عبادات فردی نیست. دین مبین اسلام، پاسخ‌گوی نیازهای جامعه در ابعاد گوناگون شئون فردی، اجتماعی، حکومتی و تمدنی است. در مقابل، طواغیت در طول تاریخ اسلام سعی کردند اسلام را دین منزوی از ساحت اداره بشر معرفی و حاشیه‌نشینی عالمان و انحصار متدینان در اذکار و ادعیه و عبادات فردی را به‌عنوان الگوی دین‌داری ترویج کنند.

پس از رحلت آیت‌الله بروجردی بین سال‌های ۱۳۴۰ ش. تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دومین دوره گفتمانی حوزه علمیه قم رقم خورد. در پی درگذشت آیت‌الله بروجردی، مرجعیت واحد به تعدد مرجعیت تبدیل شد. شش تن از فقیهان برجسته در قم، مشهد و تهران (حضرات آیات: امام خمینی، سید رضا گلپایگانی، نجفی مرعشی، شریعتمداری، میلانی و سید احمد خوانساری) و چهار فقیه نامدار در نجف (حضرات آیات: سید محسن حکیم، شاهرودی، سید عبدالهادی شیرازی و خوئی) عنوان مرجعیت شیعیان را عهده‌دار شدند. از پیامدهای تعدد مرجعیت در این دوران، بروز و رقابت خرده‌گفتمان‌های درون حوزوی بود. آیات گلپایگانی و نجفی مرعشی گفتمان علمی حوزه را تقویت کردند و برخی مخالفت‌های مقطعی با رژیم شاه داشتند. آقای سید کاظم شریعتمداری همراهی با رژیم شاه را در دستور کار خود قرار داد. امام خمینی از همان آغاز، انتقادهای نهاد دین را به سیاست‌ها و اقدامات خصمانه رژیم پهلوی، علنی و عنصر سیاسی دین را در قالب اعتراضات عمومی سازماندهی کردند.

تلاش‌های رضا شاه در راستای اجرای پروژه سکولارکردن ایران، دین‌ستیزی و تضعیف نهاد روحانیت باعث پیدایش برخی حرکت‌های الحادی و دین‌گریز از نوع اندیشه مارکسیستی و نقد نهاد دین در جامعه نخبگانی ایران شد. واکنش روحانیت به پیدایش گفتمان جدید الحادی، بازخوانی اندیشه‌های دینی در قالب ادبیات روز و توسعه گفتمان سیاسی و اجتماعی اسلام بود. این تلاش منجر به طرح دوباره دین و به‌روز کردن ادبیات آموزه‌های اسلام از طریق بازاندیشی اصول اعتقادات شیعه، ترسیم جامعیت اسلام در ارائه الگوی رفتاری زندگی اجتماعی و عقلانیت مذهب تشیع شد. (درخشه، ۱۳۸۶: ۱۱۵)

کتاب «بحثی درباره مرجعیت و روحانیت» توسط شماری از روحانیون با اندیشه اسلام سیاسی مانند آیات علامه طباطبایی (ولایت و زعامت)، شهید مطهری (اجتهاد در اسلام) و شهید بهشتی (روحانیت در اسلام و در میان مسلمانان) در این دوره نوشته شد. در مقدمه این کتاب آمده است: «شاید در دنیای تشیع سابقه نداشته باشد که چنین توجه اصولی و تفحص دسته‌جمعی به قصد موشکافی در گذشته و چاره‌جویی در حال و پیشرفت در آینده نسبت به مسئله مرجعیت به عمل آمده باشد.» آنان در این تلاش گروهی سعی در صورت‌بندی یک نظریه نوین درباره جایگاه اجتماعی و رهبری سیاسی فقیه داشتند. (دین‌پرست، ۱۳۹۰: ۱۷۴)

امام خمینی در این دوره کوشید، با حفظ اجماع گفتمانی نخبگان دینی و توصیف ماهیت سیاسی رژیم پهلوی، مطابق عرف فرهنگی و مذهبی جامعه، به عنوان یک سوژه فعال سیاسی خود را مطرح و گفتار و الگوهای تبلیغی گفتمان حاکم و زمینه‌های تاریخی آن را مطابق شرایط فکری و ایدئولوژیکی جامعه ایران بازنمایی و تضادهای فرهنگی گفتار دستگاه پهلوی را تفسیر کند. (گراوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶) گفتمان سیاسی امام خمینی در این دوران در انتقاد از سیاست‌های دین‌گریزی، پذیرش سلطه بیگانه و حمایت از رژیم صهیونیستی توسط حکومت شاه، سنگ بنای نهضت اسلامی مردم ایران شد. اندیشه سیاسی اسلام و ایده اداره جامعه براساس آموزه‌های اسلامی در قالب نظریه حکومت

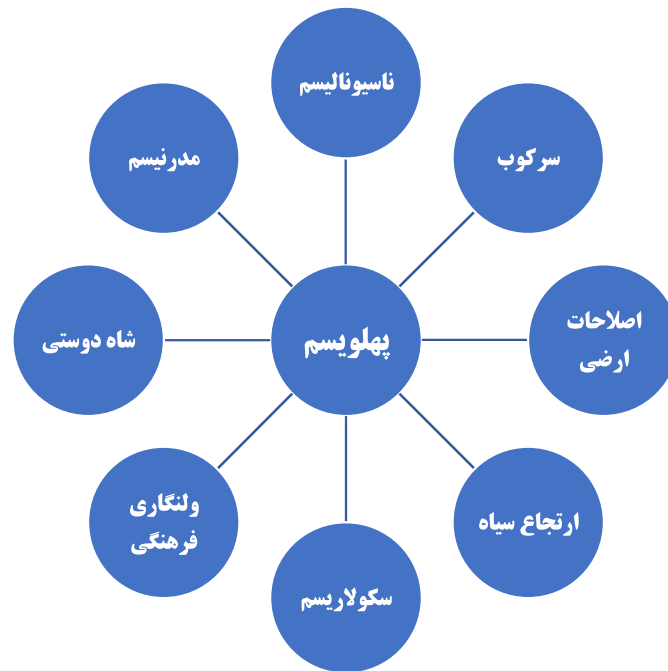
اسلامی و ولایت فقیه توسط امام راحل نظریه‌پردازی شد. هم‌چنین نظام سیاسی اسلام برای تحقق اجتماعی نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت برای تبدیل شدن به جریان اجتماعی از کانون حوزه‌های علمیه به قلمرو زندگی اجتماعی مردم ایران تسری یافت تا در عمل پیاده شود. این همه نیازمند گفتمان‌سازی بود. در صورت ناتوانی نهاد دین و روحانیت از برقراری ارتباط با عموم مردم برای تبیین نظریه حکومت اسلامی در عصر غیبت و اندیشه سیاسی اسلام این دیدگاه در ساحت نظری باقی می‌ماند. از این‌رو امام راحل از علما دعوت می‌کردند که به تبیین و روشن‌گری مردم درباره طاغوت بودن حکومت پهلوی، حقانیت نظام سیاسی اسلام و لزوم تأسیس حکومت اسلامی بپردازند: «شرع و عقل حکم می‌کند که نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضداسلامی و غیراسلامی ادامه پیدا کند. نظام سیاسی غیراسلامی به معنای بی‌اجرا ماندن نظام سیاسی اسلام است. موظفیم شرایط اجتماعی مساعدی برای تربیت افراد مؤمن و بافضیلت فراهم سازیم؛ و این شرایط درست ضد شرایط حاکمیت طاغوت و قدرت‌های نارواست. شرایط اجتماعی‌ای که ناشی از حاکمیت طاغوت و نظام شرک‌آمیز است، لازمه‌اش همین فساد است که می‌بینید.» (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۳۴)

عموم خطبا و وعاظ از طریق نهاد تبلیغ به ترویج اندیشه‌های امام راحل پرداختند. این‌گونه مفهوم «انقلاب» در مفصل‌بندی گفتمان اسلام سیاسی وارد شد و تا براندازی رژیم شاه ادامه یافت. اعتراضات امام خمینی به سیاست‌های ضداسلامی و پذیرش سلطه مستکبران در قالب اعتراض به کشف حجاب، انقلاب سفید، سیطره آمریکا و ارتباط با رژیم صهیونیستی از سال ۱۳۴۱ ش. آشکارا آغاز شد و شدت یافت. در این مقطع کنش ارتباطی و گفتمان‌ساز حوزه علمیه قم و روحانیت فعال‌تر شد و به ابلاغ سخنانی‌ها و اعلامیه‌های امام خمینی در بین مردم و تبیین مواضع ایشان در بین نخبگان پرداخت. علاوه بر نهاد تبلیغ و منبر، ابزار اطلاع‌رسانی امام خمینی، صدور اعلامیه و ضبط سخنان بر روی نوار کاست بود. عموم طلاب و فضلالی حوزوی که از سراسر کشور در حوزه علمیه قم حضور داشتند، تبدیل به شبکه توزیع پیام‌های مبارزاتی امام خمینی شدند. گفتمان اسلام سیاسی در این دوره با تولید واژگان مفهوم‌ساز و جریان‌آفرین امام راحل و روحانیت انقلابی تکمیل و با همراهی اقشار مختلف مردم منجر به برهم‌زدن نظم سلطانی حاکم بر شرایط تاریخی جامعه ایران و افول سلطنت پهلوی شد.



نمودار ۳: شبکه گفتمانی اسلام سیاسی

پایگاه مردمی امام خمینی مستحکم شد و اقشار مردم توسط روحانیت با مفاهیم سیاسی اسلام آشنا شدند. در این دوره خرده گفتمان‌های مارکسیستی و التقاطی و جبهه ملی مجالی برای مطرح کردن دیدگاه‌های خود پیدا کردند، ولی هیچ‌کدام نتوانستند به یک جریان اجتماعی و گفتمان دارای هژمونی تبدیل شوند و مورد استقبال مردم قرار نگرفتند. اسلام سکولار از الگوی حکومت‌های عرفی در غرب به عنوان یکی از دیگری‌های اسلام سیاسی در این دوره برگرفته و مطرح شد تا حاکمیت سیاسی به ساحت‌های اجرایی دین ورود نداشته باشد و سر سازش و تسلیم در برابر مستکبران و قدرت‌های جهانی فرود آورد. در برابر گفتمان اسلام سیاسی، رژیم شاه چند سیاست را به مرور زمان دنبال کرد: ملی‌گرایی افراطی، نوگرایی، شاه دوستی، ولنکاری فرهنگی، تجددگرایی زنان، دنیاگرایی افراطی، رویای ژاپنی کردن ایران، انقلاب سفید، جلب حمایت امریکا، حمایت از رژیم صهیونیستی، سرکوب مخالفان و مرتجع خواندن مخالفان رژیم شاه. کنش‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رژیم شاه پاسخ معکوس داد و در کنار روشنگری‌های نهاد روحانیت، موجب انسجام‌بخشی هویت اسلامی مردم ایران حول محور اندیشه‌های امام خمینی درباره اداره حکومت توسط فقیه شد. این هویت تازه بر ساخت شده، دیگری خود را در «پهلویسم» شناخت و در برابر سیاست‌ها و اقدامات رژیم شاه، اسباب و زمینه‌های بروز شورش نخبگان، افزایش نارضایتی مردم، طرد شاه و فروپاشی رژیم پهلوی را فراهم کرد.



نمودار ۴: شبکه مفاهیم «دیگری» گفتمان اسلام سیاسی

### دوره سوم: گفتمان انقلاب اسلامی در دوران رهبری امام خمینی (۱۳۵۷-۱۳۶۸ش)

انقلاب اسلامی ایران براساس باور به توحید و کلمه لاله لاله الله دارای دو ویژگی سلبی و ایجابی بود. مردم مسلمان ایران در رویکرد سلبی، به نفی حکومت طاغوت و در رویکرد ایجابی به ایجاد حاکمیت اسلامی در قالب نظام جمهوری اسلامی پرداختند. نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی ایران نیز دارای این دو ویژگی بود. از این رو «انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام، و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بود که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است.» (وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران هنگام اجرای نظریه حکومت اسلامی در میدان عمل فرا رسید. فضلا و نخبگان حوزه علمیه قم وظیفه خود دانستند که در نظام سیاسی جدید حضور پیدا کرده و ایفای نقش کنند. گفتمان تبلیغی و ارتباطی حوزه علمیه نیز به تبیین اصول و آرمان‌های انقلاب و مفاهیم والای رهنمودهای امام راحل و پیش‌گامان نهضت اسلامی پرداخت. در دوران دفاع مقدس، علما و خطبا، مردم را به حضور در جبهه‌های نبرد علیه دشمن بعثی فراخوانده و خود نیز در عمل، وارد میدان نبرد شدند و شهدای بسیاری را تقدیم نظام اسلامی کردند.

«سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شب چراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند ... سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود منذران صادقی شدند که بندبند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است.» (منشور روحانیت امام در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷) در ابعاد فقهی امام خمینی باور به تأثیر عنصر زمان و مکان بر اجتهاد احکام داشت و براساس نظریه اقتضائات زمانی و مکانی، رویکردی عقلانی-اجتهادی به نصوص دینی را وارد گفتمان‌های علمی حوزه‌های علمیه کرد و ضمن تأکید بر تکلیف‌گرایی همراه با مصلحت‌اندیشی، به نفی تحجر پرداخت.

امام راحل حفظ نظام را حاکم بر تمامی اصول و احکام فقهی می‌دانست؛ زیرا بزرگ‌ترین فریضه است که موجب حفظ اسلام می‌شود. بر همین اساس حکم حکومتی را جزء احکام اولیه و اختیارات ولی فقیه را مطلق می‌دانست که ولی فقیه دارای تمامی اختیارات حکومت پیامبر خدا و ائمه اطهار می‌باشد و ولایت امر، حاکم بر تمامی قوانین است. ولی فقیه براساس مصالح تلاش می‌کند منافع حکومت اسلامی را تأمین کند و به دفع مفسد بپردازد. از نتایج منطقه‌ای و پیامدهای جهانی بسط گفتمان انقلاب اسلامی در این دوران، می‌توان به خروج جهان اسلام از بی‌تحرکی به خصوص در مسئله فلسطین، رشد معنویت‌گرایی در سراسر کشورهای جهان و زنده شدن امید نهضت‌های جهانی مقاومت در برابر آمریکا اشاره کرد. حوزه علمیه قم در این دوران به تولید ادبیات علمی با هدف هویت‌دهی به مفاهیم گفتمان انقلاب اسلامی پرداخت. دستگاه ارتباطی حوزه علمیه نیز در ترویج اندیشه‌های انقلاب اسلامی فعال شد. فضلا و علمای حوزه علمیه قم در تبیین اصول اندیشه‌های امام راحل و آرمان‌های انقلاب اسلامی، علاوه بر سخنرانی و انتشار مقالات و کتاب‌های معارفی، در برنامه‌های صدا و سیما حضور پیدا کردند و به انتقال مفاهیم محرک اجتماعی و پیام‌های انقلابی پرداختند. برنامه‌های مذهبی مانند درس‌هایی از قرآن حجت‌الاسلام محسن قرائتی، تفسیر سوره حمد امام خمینی در سال ۱۳۵۸ ش. برنامه‌های اعتقادی مانند مناظره‌های شهید بهشتی، شهید مطهری و علامه مصباح یزدی با حزب توده، فداییان خلق و ...، برنامه‌های تربیتی مانند برنامه کودک حجت‌الاسلام محمدحسن راستگو نمونه‌هایی از این کنش ارتباطی حوزه علمیه هستند. در عرصه انتشار مجلات و نشریات، می‌توان به تلاش نویسندگان حوزه علمیه قم در روزنامه‌های کثیرالانتشار و تأسیس مجله‌های حوزوی مانند ماهنامه بررسی مطبوعات، ماهنامه کودک مسلمان توسط مؤسسه نشر فرهنگ اهل بیت، نشریه اندیشه‌های نو در علوم اسلامی، نشریه پاسدار اسلام، نشریه حوزه، دوماهنامه نور علم و ... اشاره کرد.



نمودار ۵: شبکه گفتمانی انقلاب اسلامی در دوران رهبری امام خمینی

گفتمان انقلاب اسلامی در این دوران در اثر گفتمان جریان‌های بیرونی و نحله‌های فکری داخلی، متمایز شد. دیگری‌های این گفتمان با مرزبندی‌های شفاف و صریح امام راحل با خرده‌گفتمان‌های رقیب و متخاصم نمود پیدا کرد. امام راحل با چند خرده‌جریان و نحله فکری، مرزبندی حداکثری ایجاد کرد. نخستین مرزبندی با شیفتگان فرهنگ غرب بود که در قالب نفی سرمایه‌داری، تقبیح اسلام آمریکایی و مبارزه با استکبار جهانی ایجاد شد. مرزبندی دیگر با خط وادادگی در جهان اسلام و مبارزه با رژیم صهیونیستی بود. در داخل کشور نیز مرزبندی‌های دیگری با خرده‌گفتمان‌های تجزیه‌طلب، تحجر، مرفهین بی‌درد، مارکسیست‌های مسلمان، لیبرال‌ها، التقاط از نوع گروهک‌ها و منافقان و نهضت آزادی و نفوذ بیت منتظری انجام شد. امام خمینی در این باره در پیامی به روحانیون و حوزویان فرمودند: «تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین، اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند.» (منشور روحانیت امام در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۶۷)



نمودار ۶: شبکه مفاهیم «دیگری» گفتمان انقلاب اسلامی در دوران رهبری امام خمینی

### دوره چهارم: گفتمان انقلاب اسلامی در دوران رهبری امام خامنه‌ای (۱۳۶۸ش. تا کنون)

پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در خرداد سال ۱۳۶۸ش. با تدبیر و هوشیاری به‌هنگام مجلس خبرگان رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای به‌عنوان رهبر تعیین شدند. در نظام‌های سیاسی که با انقلاب روی کار آمده‌اند، فقدان رهبر اولیه، بحران بزرگی به‌شمار می‌رود؛ زیرا حرارت اولیه انقلابی در کشور فروکش کرده، عموم مردم و نخبگان با انتظارات زیادی، آرمان‌ها و شعارهای اولیه انقلاب را مطالبه می‌کنند. در چنین شرایطی، اداره کشور توسط رهبری که به شیوه انقلابی به حکومت نرسیده، بلکه از طریق فرایندهای قانونی، به حکمرانی رسیده است، بسیار دشوار می‌شود. در سایر انقلاب‌های معاصر جهان، جانشینان بنیان‌گذار از اهداف و آرمان‌های اولیه عدول کرده و راه دیگری را رفته‌اند. حتی در برخی کشورها، انقلاب دهقانان سر از اقتصاد لیبرال و سرمایه‌داری در آورد. تبدیل کشور از شرایط انقلابی به یک نظام سیاسی باثبات و دارای فرایندهای رسمی، ساختارها و نهادهای قانونی در عین حفظ روحیه انقلابی و آرمان‌های اولیه کاری دشوار است. (گنجی، ۱۴۰۱: ۱۹-۲۲)

اصلی‌ترین ویژگی گفتمان انقلاب اسلامی در دوران رهبر معظم انقلاب، وحدت ارزش‌های گفتمانی با دوره بنیانگذار و استمرار راه امام خمینی است: «ما همان راهی را که آن بزرگوار رفت، ادامه خواهیم داد. زیرا برتر و والاتر و

شیرین‌تر و مقدس‌تر و شایسته‌تر از آرمان‌های او سراغ نداریم.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۳/۱۸) استمرار گفتمان انقلاب اسلامی در شرایطی که کشور با چند بحران بزرگ مانند پایان جنگ، عزل قائم مقام رهبری، جنگ طلبی صدام، لشکرکشی امریکا و فقدان الگوی سازندگی روبرو بود، کار را سخت‌تر می‌کرد؛ به‌ویژه این‌که دولتی با شعارها و الگوهای توسعه غربی روی کار آمده بود. توسعه اقتصادی و خصوصی‌سازی به بهای فشار بر اقشار محروم دنبال می‌شد و هدف نهایی بیشتر کارگزاران، توسعه بود و اغلب مدیران اجرایی کشور، براساس اصول تکنوکراسی، عقلانیت ابزاری را دنبال می‌کردند و حفظ ارزش‌های انقلاب اسلامی برایشان اهمیت چندانی نداشت. آنان غرب را قدرتی می‌دانستند که در فناوری برتر است و چاره‌ای جز حرکت به سوی مدل ژاپن یا مالزی نمی‌دانستند. (جمالی، ۱۳۹۴: ۵۴) امام خامنه‌ای، گفتمان فرایند تکامل انقلاب را در پنج مرحله «ایجاد انقلاب، تأسیس نظام، ایجاد دولت، ایجاد کشور و ایجاد تمدن اسلامی» مطرح کردند. هم‌چنین ایشان در برابر منادیان الگوهای توسعه غربی، پرچم‌دار الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت در کشور شدند: «در هر الگویی از توسعه، فرهنگ خاصی نیز حکم‌فرماست. از این‌رو اگر الگوها از دنیای کفر و استکبار گرفته شود ... اصول دنیای کفر در مدل‌هایش حضور دارد و جریان این الگوها، فرهنگ دنیای استکبار را وارد کشور خواهد کرد.» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۵/۲۳)

گفتمان انقلاب اسلامی در هر دهه با توجه به تحولات روز، پیشرفت‌های فناوری و روندهای تکاملی با اقتضائات خاصی روبه‌رو می‌شد. لازمه این تحولات، تغییرهایی در روش‌ها، تاکتیک‌ها و راهبردها در عین حفظ مقاصد، ارزش‌ها، آرمان‌ها و سیاست‌های کلان نظام بود. در این دوران، گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم به‌عنوان خاستگاه و مادر نظام اسلامی، سرزنده و بانشاط با عنوان «حوزه انقلابی» دنبال می‌شد. گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه علمیه قم، مرزهای هویتی خود را در هر دهه با «دیگری‌های بیرونی و درونی حفظ کرد.

در دهه ۱۳۷۰ این گفتمان مرزبندی‌های آشکاری با عناصر گفتمانی غرب مانند لیبرالیسم و عناصر گفتمان عرفی‌گرایان پساامام، تکنوکرات‌ها و اصلاح‌طلبان ایجاد کرد. تألیف مقالات و کتاب‌هایی در ردّ خرده‌جریان‌های غربی‌گرا و نقد پیش‌فرض‌های گفتمان‌های فوق و نیز مناظره علامه مصباح یزدی با حجت‌الاسلام حجتی کرمانی از این نمونه است. کنش ارتباطی حوزه علمیه قم در این دهه، دفاع از نظام جمهوری اسلامی در برابر داعیه‌داران جمهوری بدون اسلامی، نظریه‌پردازی در مقابل مطالبه‌گران کاهش اختیارات ولی فقیه و پاسخ شبهات حمله‌کنندگان به آموزه‌های اصلی اسلام بود. حوزه علمیه قم در برابر اتاق فکر روزنامه‌های زنجیره‌ای دوران اصلاحات ایستاد و حتی مراجع تقلید و اساتید دروس خارج و سطح حوزه، پاسخ شبهات حلقه کیان و روشنفکران غرب‌زده مانند دکتر سروش را در حمله به نهاد فقاقت و مرجعیت، تشکیک در عصمت ائمه، قداست‌زدایی از ارزش‌های اسلام و نسبی‌گرایی معرفت دینی را به روشنی بیان کردند و این پاسخ‌ها به‌صورت منطقی از طریق روشنگری در منابع، تکثیر جزوات و حتی نوارهای کاست در بین متدینان و جوانان منتشر شد.

گفتمان حوزه انقلابی در دهه ۱۳۸۰ بر چند محور تمرکز داشت:

محور اول، تولید علوم اسلامی بود. در پی مطالبه تحول و ارتقای علوم انسانی از سوی رهبر معظم انقلاب و پاسخ ایشان به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه قم مبنی بر تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی، پاسخ به شبهات، نقد و مناظره در بهمن ۱۳۸۱ خیزشی در حوزه علمیه قم مبنی بر: تولید علوم انسانی اسلامی، طرح منطقی ایده‌ها، رواج نظریه‌پردازی، نوآوری روشمند و نهادسازی برای اجابت پرسش‌های نوین ایجاد شد. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی و سایر مراکز علمی حوزوی نیز وارد عرصه شدند و به تربیت نسلی از فضایی حوزوی و تولید ادبیات علمی در این مورد پرداختند.

دومین محور گفتمان انقلابی حوزه در این دهه، ایستادگی در برابر خرده‌جریان فتنه و انحراف بود. گفتمان انقلابی حوزه در این دوره رویکردی تخصصی به مقوله اطلاع‌رسانی و خبر داشت. در عرصه اطلاع‌رسانی با ورود فناوری ارتباطات و اطلاعات و گسترش اینترنت در کشور، شاهد تأسیس سایت‌های دینی و پایگاه‌های اطلاع‌رسانی حوزوی بودیم. هم‌چنین خبرگزاری‌ها و نشریات حرفه‌ای مانند خبرگزاری رسا و مرکز خبر حوزه و هفته‌نامه افق حوزه در این دوره راه‌اندازی و باعث شکوفایی اطلاع‌رسانی و آشنایی طلاب با فرایند حرفه‌ای خبرنگاری و تربیت نسلی از طلاب روزنامه‌نگار شدند. کنش ارتباطی دیگر حوزه علمیه قم در این دهه، ورود به عرصه نشریات تخصصی بود. در این دوره رسانه‌ها و نشریات حوزوی به موضوعات تخصصی قرآن، حدیث، فقه، اصول، کلام، فلسفه، سیاست، جامعه، تاریخ، اخلاق، علوم تربیتی، روان‌شناسی، خانواده، نقد اندیشه، فرهنگ، تبلیغ، ارتباطات و ادبیات روی آوردند و همگام با نیازهای روز به تولید ادبیات گفتمانی پرداختند.

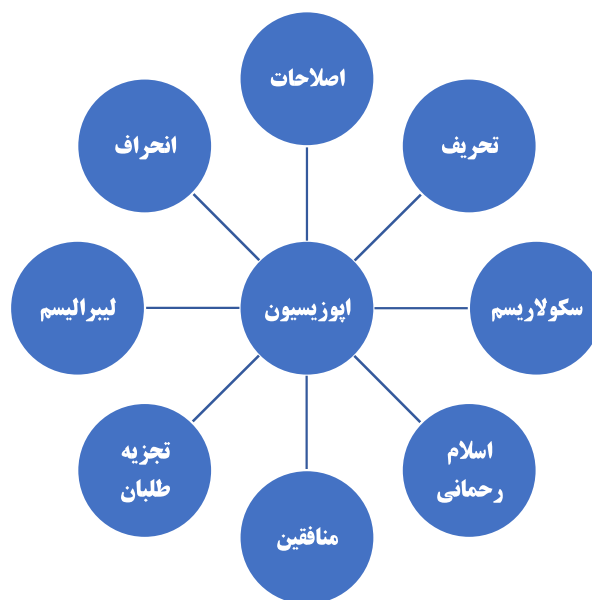
گفتمان حوزه انقلابی در دهه ۱۳۹۰ علاوه بر استحکام نظری، وارد ساحت‌های رصد، مسئله‌یابی، محیط‌شناسی و اندیشه‌ورزی شد و به تولید دانش فقه نظام پرداخت. این گفتمان حوزوی مرزبندی خود را با خرده‌جریان اعتدال و سکولار آشکار کرد. حوزه علمیه قم در پاسخ به نظریه‌پردازی شخصیت‌های وابسته به اعتدال و نظریه‌هایی مانند اسلام رحمانی، عرفی‌گرایی، سکولاریسم و ترجیح دیپلماسی سازش بر مقاومت، کنش تبیین‌گری درباره اصول انقلاب اسلامی را در پیش گرفت و به تقویت گفتمان تهاجمی بر علیه غرب‌زدگان، تثبیت گفتمان فقه حکومتی، تمدن‌سازی اسلامی، تربیت طلاب غیرایرانی، تقویت گفتمان خدمت، خودباوری و مدیریت جهادی پرداخت. یکی دیگر از تعیین هویت‌های گفتمانی حوزه انقلابی در این دوره، مرزبندی شفاف با خرده جریان تحریف بود. برخی از شخصیت‌های انقلابی پشیمان و مسئولان رفاه طلب که نمی‌توانستند خود را با سیره امام راحل تطبیق دهند، برای توجیه انحرافات رفتاری و سبک زندگی تجملاتی و اشراف‌زدگی خود، سعی کردند شخصیت، سیره و اندیشه‌های امام راحل را تحریف کنند. از این رو بیم آن می‌رود که نسل‌های متأخر از انقلاب، امام راحل را فردی لیبرال، تساهل‌گر، اهل سازش و دارای اندیشه‌های لیبرال دموکراسی غربی بشناسند.

خطر دیگر پیش روی حوزه انقلابی، خرده‌گفتمان عافیت‌طلبی و منادیان عدم مداخله روحانیت در امور اجرایی است که از طریق نشست دوره‌های اساتید و برخی کرسی‌داران دروس حوزوی دنبال می‌شود. یکی از آسیب‌های پیش روی حوزه انقلابی، نفوذ مدعیان عدالت‌خواهی افراطی یا نوفرقان‌یست‌ها و برخی از کانال‌داران سوپرانقلابی فضای مجازی است که از طریق پنجه کشیدن به چهره مراجع و حتی گاه اهانت به شخص اول کشور، سعی در ارائه الگوی غلطی از مطالبه‌گری رسانه‌ای و انقلابی‌گری در حوزه دارند. از مهم‌ترین کنش‌های ارتباطی حوزه علمیه قم در این دوره می‌توان به تشکیل اتاق‌های فکر رسانه‌ای، تقویت سواد رسانه، ورود به شبکه‌های اجتماعی مجازی، تولید محتوا در قالب‌های نوین، راه اندازی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای، تربیت کارشناسان دینی برای رسانه ملی، تولید مستند، نقد فیلم، داستان‌نویسی، تبلیغ مجازی و صیانت از چهره به تصویر کشیده شده از روحانیت در فیلم‌های سینمایی اشاره کرد.



نمودار ۷: شبکه گفتمانی انقلاب اسلامی در دوران رهبری امام خامنه‌ای

گفتمان انقلاب اسلامی در این دوره با توجه به شرایط و نیازهای روز تکامل یافت و حوزه علمیه قم متناسب با اقتضائات انقلابی، به تولید گفتمان مورد نیاز نظام، نظریه‌پردازی و تربیت نیرو پرداخت. در برابر عقلایت ابزاری شماری از کارگزاران سازندگی که ریشه در تکنوکراتیسم افراطی دهه ۱۳۷۰ داشت، عقلایت انقلابی به تولید الگوی مدیریت جهادی مبتنی بر ارزش‌های انقلابی پرداخت. در دهه‌های بعدی، مجموعه‌ای از نحله‌های فکری و خرده جریانات سیاسی در مخالفت با اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی، با عنوان اپوزیسیون نظام شکل گرفتند و برخی از آنها تا توهم براندازی هم پیش رفتند.



نمودار ۸: شبکه مفاهیم «دیگری» گفتمان انقلاب اسلامی در دوران رهبری امام خامنه‌ای

## نتیجه‌گیری

امریکا در اسناد راهبردی خود برای کاهش نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی ایران در جهان، تدابیری اندیشیده است؛ تدابیر و راهبردهایی مانند: تقویت اندیشه سکولار متناسب با منافع قدرت‌های غربی در حوزه‌های علمیه، هویت‌دهی به روحانیون سکولار و عالمان میانه‌رو در راستای تأمین منافع ایالات متحده و استفاده ابزاری از آنان به‌عنوان موقعیت‌های نفوذ امریکا در جنوب غرب آسیا، بهره‌برداری از اختلاف‌های مذهبی برای جلوگیری از هلال شیعی. (برنا بلداجی، ۱۳۸۴: ۳۷۰) از این‌رو بزرگ‌ترین تهدید گفتمان انقلابی در حوزه علمیه، خرده گفتمان عافیت‌طلب و سکولار است که توانسته در حوزه علمیه قم نفوذ کرده و برخی از کرسی‌های نظریه‌پردازی و دروس خارج را از آن خود کند. خرده جریان سکولاریسم پس از انقلاب اسلامی با نفوذ فکری در بین برخی از مسئولان و نخبگان، سعی در تعقیب اهداف دنیازدگی و دین‌گریزی از طریق توجیهات سکولاریستی دین داشت و به‌وسیله حذف قدسیت و ابعاد فرازمینی و معنوی، تلاش کرد دموکراسی و لیبرالیسم را در جامعه ایرانی با هویتی دین‌گریز نهادینه کند. این خرده‌جریان با ترویج آرام‌باورهای سکولار، امکان تحول فرهنگ عمومی را در عمیق‌ترین لایه‌های معرفتی فراهم کرد. عقبه تئوریک این جریان اکنون توانسته در حوزه علمیه قم نفوذ کرده و برای خود پایگاهی تأسیس و نیروسازی کند. خاستگاه تاریخی خرده گفتمان سکولاریسم، دوران رنسانس به‌عنوان مبدأ رویش مدرنیته و خاستگاه جغرافیایی آن، غرب است. امروزه این خرده گفتمان، اندیشه

دنیوی‌گرایی را دنبال می‌کند و در جامعه امروز ایران، به موازات حذف اصل نگاه معنوی و دینی از قلمرو جامعه و فرهنگ عمومی و علمی، زمینه تفسیر دنیوی و سکولار اندیشه‌های دینی را پدید می‌آورد. غلبه سکولاریسم در عرصه اداره جامعه، مانع از تفسیر رفتارهای سیاسی توسط دین به عنوان یک ایدئولوژی غالب می‌شود. سکولاریسم در پوشش یک ایدئولوژی ضد دینی با اصالت دادن به زندگی دنیوی بشر، در برابر بازگشت دین به حوزه فرهنگ عمومی و تجدید حیات دیانت در عرصه سیاست به شدت مقاومت و در این راستا اقدام به تولید علوم انسانی سکولار می‌کند تا با استفاده از صنعت فرهنگ، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی را تسخیر و در جهت دنیاگرایی کنترل کند. (پارسانیا، ۱۳۸۴: ۱۴)

در گفتمان انقلاب اسلامی، انسان از ابعاد فردی و اجتماعی و تمدنی برخوردار است و دین در هر سه بعد حضور دارد. حضور اسلام در عرصه اجتماعی الزاماتی را به همراه دارد. مهم‌ترین الزام این حضور، تبلیغ و انتقال پیام دین در متن زندگی اجتماعی است. دین برای این پیام‌رسانی و تبلیغ، باید با قالب اجتماع متناسب باشد. از این رو رسانه‌های حوزوی به عنوان ابزار تبلیغ دین و عامل فرهنگ‌ساز، با حضور اجتماعی دین رابطه دوسویه پیدا می‌کنند. مهم‌ترین منبع الهام‌بخش هنجارهای ارتباطی و رسانه‌ای در جامعه اسلامی، قرآن و سیره معصومان علیهم السلام است. سیره متشرعه نیز از زمان غیبت امام زمان (عج) تاکنون مبنی بر کسب علم و تبلیغ دین بوده است. سیره پیشوایان دین نیز برای حضور اجتماعی دین، استفاده از ابزار قدرت نبود، بلکه از الگوی ارتباطی «تبلیغ» و «کنش دعوتی» استفاده می‌کردند. امروزه نیز همین الگو باید در رسانه‌های حوزوی تسری یافته و گفتمان‌سازی کند.

بهترین راهکار مقاومت در برابر خرده گفتمان سکولاریسم خزنده و عافیت‌طلب، تقویت گفتمان حوزه انقلابی مبتنی بر اصول بیانیه گام دوم انقلاب و تثبیت مؤلفه‌های گفتمان اسلام سیاسی برای اداره کارآمد جامعه است. علاوه بر صحنه اجتماعی، گفتمان حوزه انقلابی در عرصه روابط تمدنی، بین‌المللی و بین‌فرهنگی نیز باید حضور داشته باشد. در عرصه حضور تمدنی دین، حوزه‌های علمیه عهده‌دار انتقال پیام‌های معنوی و سازنده معانی و مفاهیم والا برای جامعه بشری و تمدن‌ها هستند. این حضور بر اساس الگوی قرآنی «تعارف» برگرفته از آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات، ۱۳) ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست.» یا «هم‌شناسی فرهنگی» شکل می‌گیرد. برای تحقق مقاصد شریعت در حفظ، تبلیغ و اعلاای دین، استفاده از رسانه یکی از ابزارهای نظام اسلامی و نیازمند سیاست‌گذاری بر اساس اهداف پیش گفته است.

## منابع

۱. برنا بلداجی، سیروس (۱۳۸۴)، «استراتژی امنیت ملی امریکا، نفت و خاورمیانه»، کتاب امریکا، ج ۷ (ویژه دکترین امنیت ملی امریکا)، اول، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌الملل ابرار معاصر تهران.
۲. بهرام‌پور، شعبان‌علی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، گفتمان و تحلیل گفتمانی (مجموعه مقالات)، اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
۳. پارسانیا، حمید (۱۳۸۴)، سکولاریزم و معنویت، فصلنامه علوم سیاسی، سال ۸، ش ۳۲، زمستان ۱۳۸۴.
۴. پارسانیا، حمید (۱۳۹۱)، جهان‌های اجتماعی، اول، تهران: کتاب فردا.
۵. جمالی، مصطفی (۱۳۹۴)، استمرار انقلاب با کدام روایت: شناخت گفتمان‌های تجددگرایی اسلامی، تجددگرایی، سنت‌گرایی و تمدن‌گرایی اسلامی، دوم، قم: تمدن نوین اسلامی.
۶. حسین‌زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۸)، «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۲۸.
۷. خنیفر، حسین و مسلمی، ناهید (۱۳۹۷)، اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی؛ رویکردی نو و کاربردی، ج ۱، دوم، تهران: نگاه دانش.
۸. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۴)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چ سی‌ام.
۹. درخشه، جلال (۱۳۸۶)، گفتمان سیاسی شیعه در ایران معاصر، دوم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۰. دین‌پرست، فائز (۱۳۹۰)، تحلیل گفتمان ولایت فقیه در نظام سیاسی اسلام، دوم، تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۱۱. طالقانی، سید علی (۱۳۸۲)، «ترمینولوژی جریان شناسی فرهنگی»، دوفصلنامه حوزه، سال ۲۰، ش ۱۱۹، آذر و دی ۱۳۸۲.
۱۲. کچویان، حسین و جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۳)، «دوره اول هویت‌یابی ایرانی (پیدایی مسئله هویت و نفی خود)»، مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال هشتم، ش ۱۰، تابستان ۱۳۸۳.
۱۳. گراوند، مجتبی و سوری، ایرج و زمانیان، زهیر (۱۳۹۷)، «بازتفسیر هویت اسلامی در گفتمان سیاسی امام خمینی (ره): بیداری جامعه و وقوع انقلاب اسلامی ایران»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال هشتم، ش ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۴. گنجی، عبدالله (۱۴۰۱)، موبه‌مو؛ واکاوی سیره حضرت امام خمینی قدس سره و حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله در امامت و رهبری، اول، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.

۱۵. لافی، دن (۱۳۹۶)، *موضوعات کلیدی در نظریه رسانه‌ها*، ترجمه یونس نوربخش، اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، *روش تحقیق کیفی ضد روش (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)*، ج ۲، اول، تهران: جامعه‌شناسان.
۱۷. مک‌دانل، دایان (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسین علی نوروژی، اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
۱۸. مکی، حسین (۱۳۶۲)، *تاریخ بیست ساله ایران*، ج ۳، پنجم، تهران: ناشر.
۱۹. مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۹۴)، *نظریه‌های رسانه: اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*، چهارم، تهران: همشهری.
۲۰. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵)، *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، اول، تهران: هرمس.
۲۱. یوسف‌زاده، حسن و اسلامی تنها، اصغر و غمامی، سید محمدعلی (۱۳۹۴)، *درآمدی بر ارتباطات جمعی از منظر اسلام (الگوی رسانه مطلوب)*، اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).